سوالات صریح دانشجویان در دیدار رمضانی با رهبر انقلاب و پاسخ‌های صریح ایشان گره‌های مهم فکری-سیاسی را باز کرده است

۱۰ پرسش و پاسخ تاریخی در دیدار دانشجویان و رهبری

دیدارهای دانشجویی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای جدا از جو خاص و مثال‌زدنی‌اش، به خاطر بیان بی‌واسطه مسائل و مشکلات آن هم با لحن و صراحت لهجه ویژه دانشجویان حاوی نکات و مسائل تاثیرگذاری در فضای کلان کشور است که تا مدت‌ها محل بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در آستانه دیدار فعالان تشکل‌های دانشجویی با رهبر انقلاب به بررسی دیدارهای سال گذشته پرداختیم و ۱۰ پرسش اساسی و جریان‌ساز دانشجویی در حوزه‌های مختلف از مباحث گفتمانی گرفته تا مسائل فرهنگی را که توسط نمایندگان تشکل‌ها در این جلسات مطرح شده بود، همراه با پاسخ‌های رهبری به نگارش درآوردیم که در ادامه می‌خوانید.

پرچم مبارزه با استکبار بالاست

موضوع: سال ۹۲ دیدار دانشجویان با رهبر انقلاب رنگ و بوی برجامی دارد. دولت در حال پیاده‌کردن تنها ایده خود برای حل مشکلات کشور است. برجام امضا شده و اکنون یک موضوع سوال اصلی است که با وجود این معاهده و کنار میز نشستن با آمریکا- که تاکنون تشکل‌های دانشجویی آن را شیطان بزرگ می‌خواندند- تکلیف استکبارستیزی چه می‌شود؟ این مساله را یکی از سخنرانان دیدار دانشجویی از رهبر انقلاب اسلامی می‌پرسد و از رهبر انقلاب تکلیف می‌خواهد.

طرح مساله: بدفهمی از توافق هسته‌ای باعث شد جناح غربگرا بعد از مراسم باشکوه تشییع شهدای هوایی حتی از شعار مرگ بر آمریکای مهربان هم دست بکشد و به آن نزدیک شود. سوال ما از رهبری عزیز این است: با توجه به اینکه رسانه‌های متعدد برنگ کننده آمریکا با خوشحالی از موضوع نابودشکنی مذاکره با آمریکا، برای تزریق تئوری نفی استکبارستیزی و نفی استقلال استفاده می‌کنند؛ به واقع تکلیف استکبارستیزی بعد از توافق هسته‌ای چیست؟ آیا با مردمی استکبارستیز و در مقابل ساختارهای حکومتی مخالف آن مواجه خواهیم بود؟

پاسخ رهبری: «مگر مبارزه با استکبار، تعطیل‌پذیر است؟ مبارزه با استکبار، مبارزه با نظام سلطه تعطیل‌پذیر نیست. این هم جزء همین حرف‌هایی است که اتفاقا امروز من یادداشت کرده‌ام که به شما بگویم. این جزء کارهای ماست، جزء کارهای اساسی است، جزء مبانی انقلاب است؛ یعنی اگر مبارزه با استکبار نباشد، ما اصلا تابع فرآن نیستیم. مبارزه با استکبار که تمام نمی‌شود. در مورد مصادیق استکبار، آمریکا اتم مصادیق استکبار است. به ما این مسئولان محترمی که در قضیه هسته‌ای مذاکره می‌کنند- که حلا اینها اچاره پیدا کرده‌اند که مسئولان روبه‌رو با هم حرف بزنند؛ البته سابقه داشت، در این سطح نه، در سطوح پایین‌تر سابقه داشت؛ در این سطح، اولین‌بار بود- گفته‌ایم که فقط در مساله هسته‌ای حتما دارید مذاکره کنید؛ در هیچ مساله‌دیگری حق ندارید مذاکره کنید، و نمی‌کنند. از طرف مقابل، گاهی مسائل منطقه و سوریه و یمن و نمی‌دانم اینها را پیش می‌کشد، اینها می‌گویند ما در این زمینه‌ها با شما صحبتی نداریم و صحبت نمی‌کنند. مذاکره فقط در زمینه مساله هسته‌ای است، آن هم به همان دلایلی که من گفتم و چندبار تکرار کردم که چرا در قضیه هسته‌ای ما این گرایش را، این رویکرد را انتخاب کردیم؛ من این را مفصل تشریح کردم. مبارزه با استکبار تعطیل‌پذیر نیست، تکلیفش کاملا روشن است و خودتان را آماده کنید برای ادامه مبارزه با استکبار.»

دیالکتیک خلوص وحدت

موضوع: در دیدار رمضانی دانشجویان با رهبری که در سال ۸۹ برگزار شد چون فضای کشور در آرامش پس از مسائل ۸۸ بود، تقریبا تمام دانشجویان تشکلی در متن سخنرانی‌های خود به حوادث آن سال اشاره‌ای داشتند و درباره افراد و موضع‌گیری‌ها نکاتی را در این جلسه طرح کردند. یکی از بحث‌هایی که مطرح شد موضوع وحدت با خلوص داشتن بود. ماجرا از این قرار بود که پس از حوادث سال ۸۸ و نزدیک‌شدن به انتخابات مجلس نهم، عده‌ای معتقد بودند که اختلافات را باید کنار گذاشت و به وحدت رسید. از سوی دیگر برخی بر این باور بودند که دوره، دوره خالص‌سازی کشتی نظام از نیروهای سیاسی است؛ این موضوع دستمایه سوال نماینده بسیج دانشجویی شد.

طرح مساله: پس از ماجرای ۹ دی سال گذشته (سال ۸۸) خون تازه‌ای در رگ‌های انقلاب جاری شد و این یک پیروزی بر فتنه‌های سال گذشته بود، اما متاسفانه برخی خواهر در این ماجرا سکوت کردند یا اینکه در آتش فتنه دمیدند. اکنون در آستانه انتخابات مجلس هستیم، برخی می‌گویند وحدت و برخی از خالص‌سازی انقلاب دم می‌زنند، حال از مقتدایمان این سوال را داریم که شما کدام را توصیه می‌کنید؟

پاسخ رهبری: «بعضی می‌گویند وحدت، بعضی می‌گویند خلوص! شما چه می‌گویید؟ من می‌گویم: «هر دو. خلوص که شما مطرح می‌کنید، که ما می‌بایست از فرصت استفاده کنیم و حالا که غربال شد، یک عده‌ای را که ناخالصی دارند، از دایره خارج کنیم- چیزی نیست که با دعوا و کشمکش و گریبان این و آن را گرفتن و با حرکت تند و فشار آلود به وجود بیاید؛ خلوص در یک مجموعه که این‌جوری حاصل نمی‌شود؛ ما به این، مامور هم نیستیم. این جوری نیست که شما بیایید افراد ضعیف‌الایمان را از دایره خارج کنید، به بهانه اینکه می‌خواهیم خالص کنیم؛ نه، شما هرچه می‌توانید، دایره خلصین را توسعه بدهید؛ کاری کنید که افراد خالصی که می‌توانند جامعه شما را خالص کنند، در جامعه بیشتر شوند.

وحدت هم که ما گفتیم- که بعد سوالات دیگری هم در این زمینه شده- منظور من اتحاد بر مبنای اصول است. بنابراین وحدت با کیست؟ با آن کسی که این اصول را قبول دارد. به همان اندازه‌ای که اصول را قبول دارد، به همان اندازه ما با هم مرتبط و متصلیم؛ این مبنی و ملاک بین مومنین. آن کسی که اصول را قبول ندارد، نشان می‌دهد که اصول را قبول ندارد؛ با تصریح می‌کند که اصول را قبول ندارد، او قهرا از این دایره خارج است. بنابراین به این تفصیل و توضیحی که عرض شد، هم طرفدار وحدتیم، هم طرفدار خلوصیم.»

آتش به اختیار

موضوع: سال ۹۶ اگرچه با یک رویداد بزرگ سیاسی در بهار این سال آغاز می‌شود اما انتخابات هم باعث فراموشی مسائل مهم حوزه فرهنگی نمی‌شود. اجرای سند ۲۰۳۰ برای اولین‌بار در محافل خبری مطرح می‌شود. سکوت شورای عالی انقلاب فرهنگی درمورد این سند و اجرای آن در کشور تا زمان موضع‌گیری صریح رهبر انقلاب- در اردیبهشت‌ماه همان سال ادامه دارد. البته این تنها مساله فرهنگی روز کشور نیست، عملکرد صداوسیما و تولیدات سینمایی از جمله دیگر مسائلی است که در چند ماه منتهی به دیدار رمضان موردتوجه قرار می‌گیرد.

طرح مساله: دانشجویان سال ۹۶ نسبت به فعالیت دستگاه‌های فرهنگی ناراحت بودند. یکی از تقسیم‌بندی‌ها می‌گوید: «بودجه و امکانات فراوان در عرصه فعالیت‌های فرهنگی به دست‌ما نهاد؛ عریض و طویل فرهنگی تقسیم می‌شد و بهره‌وری از این منظر در این نهادها بسیار پایین است.» نماینده بسیج نیز در نطق خود به انفعال شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره می‌کند و می‌افزاید: «در حوزه همین سند ۲۰۳۰ مدت‌ها مطالبه جنبش دانشجویی و روشنگری‌های متفکران منعقد، هیچ کدام از ارگان‌های دخیل‌ریط به تحرک جدی وارد نکرد و شاید چنانچه حضرتعالی ورود نمی‌کردید، قضیه همچنان مسکوت مانده بود.»

پاسخ رهبری: رهبر انقلاب در واکنش به انتقادات دانشجویان به کم‌کاری‌های دستگاه‌های رسمی در حوزه فرهنگ موضوع عمل آنش به اختیار را عنوان می‌کنند و می‌فرمایند: «آنجایی که احساس می‌کنید دستگاه مرکزی اختلالی دارد و نمی‌تواند درست مدیریت کند، آنجا آتش به اختیارید. بعضی‌ها می‌خواهند دشوار جوند در دنیا، بر سر بیایید، فکر کنید، بیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید. گاهی اوقات انسان احساس می‌کند دستگاه‌های مرکزی فکر و فرهنگ و سیاست و مانند اینها چارا خلالند، دچار تعطیلند؛ واقعا آدم گاهی اوقات احساس می‌کند. حلا ملا فرض بفرمایید این همه ما مساله فرهنگی در کشور داریم، مسائل مهم که شاید من بتوانم ۱۰ مساله اصلی فرهنگی را بشمارم که اینها دچار مشکل است؛ فرض کنید مساله سینما، یک مساله مهم است، [یعنی] مساله فرهنگی مهمی است که سینمای کشور چه جوری اداره می‌شود، از کجا پشتیبانی می‌کند. حلا پشتیبانی خارجی هم بیدا می‌کنند برای فیلم‌ها؛ اداره کنیم کشور و سینما که چیز کوچکی نیست؛ مثلا فرض کنید ۱۰ مساله این‌جوری می‌شود بیدا کردم [اما] ناگهان می‌بینید مثلا فرض کنید اینکه فلان آهنگ قبل از افطار پخش بشود یا نشود، می‌شود مساله ما فرهنگی در کشور داریم، مسائل مهم که شاید من بتوانم دستگاه اختلال بیدا کرده که مساله اصلی را از مساله فرعی تشخیص نمی‌دهد و یک مساله اصلایی اعتبار بی‌اهمیت فرعی را به عنوان یک مساله اصلی، درشت می‌کنند. وقتی این‌جوری دستگاه‌های مرکزی اختلال دارند، آن‌وقت اینجا جای همان آتش به‌اختیاری است که عرض کردم.»

وظیفه شما آرمانگرایی است

موضوع: کشور در سال ۸۲ درگیر منازعات هسته‌ای بود و خبرهای خوبی از مذاکرات سعدآباد به گوش نمی‌رسید. دانشجویان نگران بودند که در بیانیه‌ای معروف به سعدآباد چرا ایران برای بازدید بازرسان آژانس انرژی اتمی از تاسیسات اتمی خود اعلام همکاری کرده و گازدهی در سانتریفیوژهای نطنز را در راستای راستی‌آزمایی و اثبات صلح‌آمیز بودن فعالیت هسته‌ای به‌صورت داوطلبانه و برای مدت محدود تعلیق کرده است.

حتی برخورد سخت نیروی انتظامی برخی از آنها هنگامی که مقابل سفارت انگلیس تجمع کرده بودند نیز در این سال اتفاق افتاد. در این شرایط سوالی که ذهن دانشجویان را درگیر کرده این است که آن‌رهاخواهی با آنچه مصلحت‌اندیشی و از سوی مسئولان امر خوانده می‌شود، جمع‌شدنی نیست. آیا آرمان‌خواهی با محافظه‌کاری قابل جمع است؟

طرح مساله: «شما می‌گویید دانشجویان مصلحت‌اندیش نباشند. حلا ما آرمانگرا، پس چرا گاهی اوقات بعضی از دستگاه‌های اجرایی مصلحت‌اندیشی می‌کنند؟ این دوگفته قابل جمع هستند؟»

پاسخ رهبری: «من این نکته را بگویم که مصلحت‌اندیشی بد، منفی و ضدارزش نیست؛ مصلحت‌اندیشی یعنی دنبال مساله‌ای که مصلحت است، رفتن. این که موضوع بدی نیست. این را بدانید که دستگاه اجرایی کشور در تعامل بسیار دشوار جوند در دنیا، بر سر دوراهی هایی قرار می‌گیرد که مجبور می‌شود مصلحتی را در نظر بگیرد؛ چون اداره کشور و کار اجرایی، کار خیلی سختی است. به هرحال، کار اداره کشور کار سختی است و البته مصلحت، هیچ اشکالی هم ندارد؛ ما به آنها ایراد نمی‌گیریم. البته حواس‌مان هم جمع است که آنها همیشه غرق در مصلحت نشوند و بنده با توجه به مسئولیتم به این موضوع توجه می‌کنم. اگر شما جوانان نگاه به بیانیه‌های آرمانی را کنار بگذارید، برآیند غلطی به‌وجود خواهد آمد. برآیند آرمانگرایی شما و چالش مسئولان با مصلحت‌ها، برآیند معتدل و مطلوبی خواهد شد، اما اگر شما هم دنبال مصلحت‌گرایی رفتید و گرایش مصلحت‌اندیشانه- یعنی صددرصد با واقعیت‌ها کنار آمدن- وارد محیط فکری و روحی دانشجو و جوان شد، آن‌وقت همه چیز به‌هم می‌ریزد و بعضی آرمان‌ها از ریشه قطع و گم خواهد شد. دانشجویان نباید آرمان‌گرایی را رها کنند. توقع من از شما عزیزان این است که پایه‌های معرفتی خودتان را در همه زمینه‌ها عمیق و مستحکم کنید.»

دایره خودی‌ها را تنگ نکنید

موضوع: دومین سال از عمر دولت نهم می‌گذرد. بسیاری از دانشجویان با رهبر انقلاب در ۱۷ مهر ۸۶ برگزار می‌شود. با اینکه تشکل‌های دانشجویی در مطرح‌شدن مطالبات دانشگاه‌ها- که راس‌قوه مجریه مدعی آن بود- سهیم بودند، اما از همان سال‌های ابتدایی زمانی که کوچک‌ترین زاویه‌های دولت مستقر با این گفتمان از سوی دولت سال‌های نه‌چندان بزرگ فرهنگی ایجاد کرد. شاید همین موضوع بود که باعث شد از سوی برخی متهم به ضدیت با ولایت فقیه شوند. این موضوع و موارد دیگر سبب سوال یکی از دانشجویان عضو جنبش عدالت‌خواه دانشجویی شد و این دانشجو در این دیدار از رهبر انقلاب تعریف معنای صلاحیت‌فقیه را طلب می‌کند که مورد استقبال دانشجویان نیز قرار می‌گیرد.

طرح مساله: رهبری یک بار تعریف صلاحیت فقیه را بکشند و اینکه نقدهایی به اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی دارم»، برخی مسئولان حرف‌هایی را به شما منتسب می‌کنند که در جلسات خصوصی با آنها مطرح شده است و شما در جلسات عمومی طور دیگری مطرح کرده‌اید؛ می‌خواستیم این حواشی طرح شائبه را برای ما و عموم مردم روشن کنید که حرف شما دقیقا کجا مطرح می‌شود؟

پاسخ رهبری: «مطالبه کردن با دشمنی کردن فرق دارد. اینکه ما گفتیم گاهی اوقات معارضه با مسئولان کشور نشود- که الان هم همین را تاکید می‌کنیم؛ معارضه نباید بشود- این به معنای انتقاد نکردن نیست؛ به معنای مطالبه نکردن نیست؛ درباره رهبری هم همین‌جور است. این برادر عزیزمان می‌گوید «ضدولایت فقیه» را معرفی کنید. خب، «ضد» معلوم است معنایش چیست؛ ضدیت، یعنی بیفته درافکندن، دشمنی کردن؛ نه معتقد نیستم. اگر بنده به شما معتقد نباشم، ضد شما نیستم؛ ممکن است کسی معتقد به کسی نباشد. البته این ضدولایت فقیه که در کلمات هست، آیه مُنزل از آسمان نیست که بگویم باید حدود این کلمه را درست معین کنیم؛ به هرحال یک عرفی هست. اعتراض به سیاست‌های اصل ۴۴، ضدیت با ولایت فقیه نیست؛ اعتراض به نظرات خاص رهبری، ضدیت با رهبری نیست. دشمنی نباید کرد.

من راجع به گزارهایی که درباره ارتباط رهبری و مردم در اینجا و آنجا گفته می‌شود، نکته‌ای عرض کنم. این چیزی که در جلسه گفته شد، ملاک نیست؛ با تأویل یا توجیه یا تفسیرهای من‌عندی؛ هیچ کدام اینها درست نیست. من حرفم همانی است که دارم می‌گویم. آنچه را که طبق مصلحت کشور و مصلحت نظام گفته، بلکه به مجموعه نظام جمهوری اسلامی! اینها کارهای دشمن است که با جلسه خصوصی، مثلا فرض کنید آن خلاف گفته را تصحیح کنیم؛ نخیر، اینجور نیست.»

مصادیق آزادی‌های اجتماعی

موضوع: نقد کنسرت‌ها یکی از موضوعاتی بود که از سال ۹۵ حواشی مختلفی را در پی داشت و با اظهارنظرهای غیرکارشناسی برخی مسئولان هر از چندگاهی تبدیل به یکی از موضوعات اصلی روز کشور می‌شد تا جایی که حتی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ هم صحبت این اتفاق، فضای خبری برای موج‌سواری سیاسی بر یک مساله نه‌چندان بزرگ فرهنگی ایجاد کرد. ماجرا از این قرار بود که چند کنسرت انگشت‌شمار در چند شهر مانند مشهد لغو مجوز شدند، درحالی که این تعداد در برابر برگزاری چند هزار کنسرت در کشور مساله چندان قابل‌توجهی به نظر نمی‌رسید اما با جنجال‌های رسانه‌ای به یکی از مسائل اصلی تبدیل شد.

طرح مساله: محمدرضا گلروی‌مفرد، نماینده اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل در حضور رهبر انقلاب با برشمردن تعدادی از سوژه‌های پرحاشیه خبری از موضع‌گیری‌های غیرعقلانی در مقوله آزادی می‌گوید: «تکلیف مسائلی مانند جلوگیری از ورود زنان به ورزشگاه، فیلترینگ، ممنوع‌التصویری اشخاص، لغو انگشت‌شمار کنسرت‌ها در ایران برگزاری چند هزارتایی آنها در قانون روشن است که بعضا به اسلام یا آن مخالفتی دارد و نه جمهوری اسلامی! یا این حال، سوءمدیریت در حل آنها باعث شده این مسائل، اصلی شود. انقلابی گری به معنای بی‌قانونی و بهانه‌تراشی نیست که جریان غیرانقلابی را طلبکار کند و به انقلاب هزینه تحمیل کند. این موضع‌گیری‌های غیرعقلانی در مقوله آزادی، باعث شده است در برنگاه‌های سرنوشت‌ساز مانند انتخابات، مسائل اصلی به حاشیه رفته و آنانی که ناکارآمدی خودشان را در عدالت، استقلال و حتی آزادی نمایان کرده‌اند با موج‌سواری روی این مسائل، لیست‌های نُکَراری را بر گرده ملت بنشانند!»

پاسخ رهبری: رهبر معظم انقلاب در دیدار رمضانیه سال ۹۷ با دانشجویان که خردادماه این سال برگزار شد، با اشاره به سوال دانشجویان فرمودند: «یکی از دوستان، اینجا قضیه کنسرت‌ها را گفتند. در چند هزار کنسرت، مثلا فرض کنید که پنج کنسرت تعطیل می‌شود؛ این را تعمیم می‌دهند، هیاهو، فریاد و از این قبیل که «کنسرت‌ها دارد تعطیل می‌شود!» حالا مثلا چند هزار کنسرت یا چند صد کنسرت اجرا شده، تعطیل هم نشده! [آنجا] چند کنسرت را تعطیل کردند! فلان مدیر و فلان مدیر و فلان مدیر در مجموعه مدیران- ۱۰ نفر، ۱۵ نفر- ۲۰ نفر من‌باب‌مثال- یک خطایی کرده‌اند، یک غلطی کرده‌اند، یک مَمشای نادرستی [داشته‌اند]. این را تعمیم می‌دهند نه‌فقط به مجموعه مدیریتی کشور بلکه به مجموعه نظام جمهوری اسلامی! اینها کارهای دشمن است که با برنامه‌ریزی دارد انجام می‌گیرد.»

دانشجویان و عدالتخواهی

موضوع: فضای سیاسی جامعه متاثر از حضور دولت اصلاحات، مطالباتی را طلب می‌کند که تا پیش از آن و در طول فعالیت دولت اصلاحات کمتر به آن توجه شده بود و همین موضوع اهمیت پرداختن به آن را دوچندان می‌کرد. یکی از این مقوله‌ها، مساله عدالت در جمهوری اسلامی ایران بود که یکی از دغدغه‌های فعالان جنبش دانشجویی تبدیل شده بود و حتی در دیدار رمضانیه فعالان تشکل‌های دانشجویی با رهبر انقلاب نیز مطرح شد.

طرح مساله: پرویز امینی یکی از سخنرانان دانشجویی سال ۸۳ با رهبر انقلاب، توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی را به‌عنوان دو گفتمان اصلی فضای سیاسی کشور در سال‌های پس از دفاع مقدس تشریح کرد و در صحبت‌های خود، گفتمان عدالت را به‌عنوان یکتا راهبرد کارآمدی نظام اسلامی معرفی می‌کند. او جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم، مبارزه بی‌امان، قاطع و همه‌جانبه با ریشه‌ها و مظاهر فساد اقتصادی و پاسخگویی حاکمیت به مردم را به‌عنوان سه ضلع اصلی این گفتمان مطرح می‌کند.

پاسخ رهبری: رهبر معظم انقلاب برعکس روال همیشگی که پس از پایان صحبت‌های دانشجویی، سخنرانی‌شان را آغاز می‌کردند، پاسخ امینی را بدون فاصله می‌دهند و درباره لزوم پیگیری عدالت می‌فرمایند: «چیزی که شما باید به آن اهتمام داشته باشید، خواست است. خواست هم چرا ماست. منهای آن، جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت؛ باید آن را داشته باشیم. این گفتمان را باید همه‌گیر کنید؛ به‌گونه‌ای که هر جریانی، هر شخصی، هر حزبی و هر جناحی سر کار بیاید، خودش را ناگزیر ببیند که تسلیم این گفتمان شود؛ یعنی برای عدالت تلاش کند و مجبور شود پرچم عدالت را بر دست بگیرد! این را شما باید نگه دارید و حفظ کنید! این مهم است. اما در برخورد با آنچه شده، باید خانگی برخورد کنید؛ نه بیگانه‌وار و معترض. در بخش‌هایی که خلأ وجود دارد، هرچه می‌توانید، کمک کنید تا خلأ برطرف شود. هرچه می‌توانید، شعار اصلی عدالت و آنچه را مربوط به عدالت است، تقویت و همگانی و در ذهن‌ها تعمیق کنید و روی پشتوانه و فلسفه فکری آن کار کنید- اینها لازم است- اما کاری نکنید که مخالفان شما این تردید را دامن بزنند که آیا نظام اسلامی می‌تواند؟ آیا نظامی اسلامی توانسته؟ البته که می‌تواند؛ البته که توانسته!»

آزاداندیش باش

موضوع: برجام با همان برنامه جامع اقدام مشترک تیرماه به جمع‌بندی رسید و مورد توافق طرفین قرار گرفت، اما برای اجرا باید به تصویب مجلس می‌رسید. اواسط مهرماه جمعی از دانشجویان و طلاب با حضور در مقابل مجلس شورای اسلامی اقدام به برگزاری تحصن در اعتراض به تصویب برجام کردند. این تحصن و حواشی آن تا مدت‌ها حتی پس از تصویب این سند در مجلس نقل محافل دانشجویی بود. از طرفی دیگر تجمع اعتراضی دانشجویان به مدل قراردادهای نفتی که با عنوان IPC شناخته می‌شد، در بهمن‌ماه و برخورد نیروهای امنیتی با دانشجویان سوالاتی جدی را برای دانشجویان درخصوص نحوه مطالبه‌گری ایجاد کرده بود.

طرح مساله: احسان ابراهیمی، نماینده بسیج دانشجویی در دیدار دانشجویان با رهبر انقلاب در دوازدهم تیرماه ۹۵ سوال خود را در مورد نحوه مطالبه‌گری از مسئولان به این صورت مطرح کرد: «حضرتعالی بارها بر لزوم رعایت قانون در پیگیری مطالبات دانشجویی تاکید فرموده‌اید که نصب‌العین است؛ مع‌الوصف، معضلی که رعایت این فرمان را چالش‌برانگیز ساخته، وابستگی شدید برخی از ظواهر قانونی به سلیقه سیاسی مجری (که اغلب خود موضوع اعتراض است) در خلأ کامل ناظری مستقل بر حسن اجرای قانون است که زمینه سوءاستفاده را پدید می‌آورد. او با یادآور شدن تجربه تجمع دانشجویان برای اعتراض به مدل جدید قراردادهای نفتی می‌گوید: تجربه‌هایی از این دست، برخی دانشجویان را به این نتیجه رسانده که مطالبه‌گری دانشجویی در نبود حمایت قانون، عملا بی‌تاثیر خواهد بود و این به مرگ انگیزه فعالیت در تشکل‌های انقلابی منجر خواهد شد. در چنین وضعی، آیا باید موقتا از مطالبه و نقد انحرافات سرنوشت‌ساز دست شست؟

پاسخ رهبری: «رهبر انقلاب نیز در بیانات خود نگاه‌شان را درخصوص نحوه طرح مطالبات و برگزاری تجمع‌های دانشجویی این‌گونه بیان کردند: «حضور جسمی- یا به قول شما حضور فیزیکی- هم گاهی لازم است؛ اجتماعات لازم است، اجتماعات هیچ اشکالی ندارد، البته قانونی باشد. حالا یک وقت قانون یک جا ممکن است یک سختگیری‌ای بکند، یک اشکالی داشته باشد، ایرادی ندارد؛ حالا بالاخره همیشه که همه‌چیز برطبق مراد انسان نیست؛ اجتماعات شما خوب است، اجتماع داشته باشید در مسائل مهم و به شیوه درست. اینکه مثلا فرض کنید علیه برجام بروند جلوی مجلس شورای اسلامی اجتماع کنند، من فکر نمی‌کنم یک منطقی پشت سر این باشد؛ خب حالا مگر نمایندگان مجلس چقدر فرصت دارند؟ اجتماع درست این است که شما یک سالنی اجاره کنید یا در اختیار بگیرید، یانصد نفر، هزار نفر، دو هزار نفر، ۱۰ هزار نفر دانشجو آنجا جمع بشوند، دو نفر سه نفر با مطالعه قبلی بروند آنجا به‌طور استدلالی حرف بزنند؛ این مهم است. این حرف، هم به گوش نماینده مجلس می‌رسد، هم به گوش نماینده دولت می‌رسد، هم به گوش نماینده رهبری می‌رسد؛ این جور اجتماعاتی مهم است. یا در قضایایی که گاهی بعضی از مجموعه‌های دانشجویی می‌خواهند خط‌شکنی کنند، اگر چنانچه فرض بفرمایید یک عده‌ای می‌خواهند از خط قرمزهای نظام عبور کنند و خیلی هم افتخار می‌کنند و می‌خواهند شجاعت به خرج بدهند، جلادت به خرج بدهند و از خط قرمزهای نظام عبور کنند، خیلی خب، اینجا اجتماع جسمانی بسیار خوب است؛ البته نه به معنای اینکه بروید مجلس آنها را به هم بزنید. بنده قبلا هم گفته‌ام، الان هم می‌گویم، ۱۰ بار دیگر هم می‌گویم؛ من با به‌هم زدن مجلس مخالفم؛ هر مجلسی که می‌خواهد باشد. به هم زدن مجلس یک کاری است بی‌فایده و احیانا مضر؛ افلَش این است که بی‌فایده است، اکثرش این است که مضر است. چه لزومی دارد؟ خیلی خب، آنجا آنجا جلسه تشکیل داده‌اند و علیه فلان مبنای انقلابی دارند بحث می‌کنند؛ بسیار خوب، شما همان‌جا هم اعلام بکنید که قرار ما بر این‌قرار ما در اینجا- آنجا آنجا، شما اینجا را در همان سالن- جلسه تشکیل می‌دهیم و درباره این موضوع بحث خواهیم کرد. دعوت کنید، دانشجویان را جمع کنید، بحث کنید، پنبه آن حرف را بزنید، تمامش کنید؛ این خوب است.»

دایره انتقاد گسترده است

موضوع: سال ۸۷ وضعیت به نوعی دیگر در دیدار دانشجویان با رهبری رقم خورد؛ این روزها تشکل‌های انقلابی آن‌طور که آرمان‌خواهی شان ایجاب می‌کند حتی از منصوبان و زیرمجموعه‌های رهبری انتقاد می‌کنند. انتقاد از برخی انجمه‌های شهرهای مختلف، انتقاد از رئیس قوه‌قضائیه، صداوسیما... نمونه‌های آن است؛ اما در سال‌هایی نه‌چندان دور، هرگونه انتقاد از منصوبان رهبری از سوی برخی جریان‌ها بامشت منکوب می‌شد؛ به این بهانه که انتقاد از آن دستگاه یا فرد، انتقاد از رهبری و تضعیف ایشان است.

طرح مساله: نماینده اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل با طرح سوالی گفت: «متاسفانه برخی از آنجا که مدیر صداوسیما از سوی جنابعالی منصوب می‌شود، این گونه عنوان می‌کنند که انتقاد به صداوسیما تقابل با رهبری است. آیا این درست است؟»

پاسخ رهبری: «به اشخاص و دستگاه‌ها اعتراض‌هایی کردند- حالا آن اعتراض‌ها ممکن است وارد باشد، ممکن است وارد نباشد؛ من روی آن نمی‌خواهم قضاوت بکنم- اصل اینکه دانشجو حرفش را روشن و صریح و آشکار بزند و دچار سیاسی کاری نشود، چیز مطلوبی است. بدترین اشکال و اشکال وارد بر محیط دانشجویی این است که دانشجو دچار محافظه‌کاری شود و حرفش را با ملاحظه موقع و مصلحت خیالی بیان کند؛ نه، دانشجو باید حرفش را صریح بزند. البته در کنار این میراحت در بیان، صداقت در نیت هم باید وجود داشته باشد و در کنار او، سرعت در پذیرش خطا؛ اگر ثابت شد که خطاست. فرق شمای جوان و دانشجو و صادق و باکیزه‌دل، با یک آدم سیاسی کار باید در همین باشد- حرف‌تان را صریح بزنید؛ آنچه را که می‌زنید، از دل بزنید؛ و اگر چنانچه معلوم شد که اشتباه است، سریع پس بگیرید؛ راحت. این به‌نظر من یکی از بهترین شاخصه‌های دانشجویی است. یکی از این اعتراض‌ها، اعتراض به صداوسیما بود و اینکه بعضی می‌گویند اگر چنانچه صداوسیما را نقد کنیم، بر خلاف رهبری مطلبی گفته‌ایم؛ چرا؟ چون رهبری رئیس صداوسیما را معین می‌کند! اگر وافعا ملاک این باشد، که آدم باید به هیچ کس اعتراض نکند؛ چون رئیس قوه قضائیه را هم رهبری انتخاب می‌کند، رئیس‌جمهور هم بعد از انتخابات، تنفیذ رهبری دارد؛ می‌گوید نصب کردم. پس باید به هیچ کس اعتراض نکرد. نه آقا، اولا صداوسیما را رهبری اداره نمی‌کند؛ این معلوم باشد. صداوسیما را رئیس صداوسیما اداره می‌کند. و رهبری هم در موارد زیادی اعتراض‌هایی دارد. همین اعتراض‌هایی که شما دارید، بعضی‌هایش با خیلی‌هایش، اعتراض‌های ما هم هست. احتمالا اعتراض‌های دیگری هم هست که چون برای من از جواب مختلف گزارش می‌آورند- با اینکه خود من ممکن است به قدر شما تماشچی تلویزیون یا گوش‌کننده رادیو نباشم. اطلاعاتم زیاد است. از وضع صداوسیما اعتراض‌هایی هم می‌کنیم؛ اشکالاتی هم می‌کنیم، گاهی با آنها دعوا هم می‌کنیم. بلاخره آنها هم یک ضرورت‌هایی دارند و جواب هم می‌دهند؛ گاهی جواب‌شان درست است، گاهی هم نادرست است. به هر حال اعتراض هست و انتقاد شما از صداوسیما مطلقا به رهبری منتقل نمی‌شود. شما حق دارید انتقاد کنید؛ هیچ اشکالی ندارد.

یکی از دوستان می‌پرسند که به نظرات امام چگونه دست پیدا کنیم؟ به نظر من این کاملا روشن است. نظرات امام یک مجموعه است و خوشبختانه بیانات امام ثبت شده است و همین است که هست. مثل همه متونی که از آنها می‌شود تفکر کوبنده را استنباط کرد؛ منتها با شیوه درست استنباط. شیوه درست استنباط این است که همه حرف‌ها را ببینند، آنها را درکنار هم قرار بدهند؛ توی آنها عام هست، خاص هست؛ مطلق هست، مقید هست. حرف‌ها را باید به هم‌دیگر سنجید، تطبیق کرد؛ مجموع این حرف‌ها، نظر امام است. البته کار خیلی ساده‌ای نیست؛ اما روشن است که باید چه کار کنیم، یک کار اجتهادی است؛ اجتهادی است که از عهده شما جوان‌ها برمی‌آید. بنشینند واقعا گروه‌های کاری در زمینه‌های مختلف، نظر امام را استخراج کنند، از گفته‌های امام به دست بیاورند. رهبر انقلاب درخصوص این اظهارنظر صحیح پاسخ دادند که «تعیین رئیس این سازمان از جانب رهبری، دلیلی برای انتقاد نکردن از صداوسیما نیست، ایشان افزودند: «در این دوره و حتی چیزهای نمی‌توان انتقاد کرد زیرا رئیس‌جمهور هم پس از رای مردم از سوی رهبری تنفیذ می‌شود.»

تاریخ علم

تاریخ علم در اسلام و ایران به روایت دکتر علی‌اکبر ولایتی (بخش بیستم)

داستان رودکی و کتاب «کلیله و دمنه»

آنچه در پی می‌آید، ادامه مجموعه مباحث مطرح‌شده از سوی دکتر علی‌اکبر ولایتی در مجموعه برنامه‌های «ایران» در سیمای جمهوری اسلامی ایران با موضوع تبیین تاریخ علم در اسلام و ایران است.

بزرگانی چون ابونصر فارابی، شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا، رودکی استاد مسلم شعر فارسی، شهید بلخی، ابوالحسن مرادی و رابعه کعب‌قُزداری در چنین دوران و فضای فرهنگی ظهور کردند و بالیدند. ظهور خاندان‌های نام‌آور و دانش‌پرور ماوراءالنهر، همچون بلعمیان و عدنانیان و جیهانیان و مصعبیان، نیز محصول این دوانند. در همین دوران، امیر نصر سامانی ابودلف را به چین فرستاد. ابودلف در سفرش به چین گزارشی پُرارزش از سفر خود، حاوی اطلاعات بسیار سودمند در باب چین و آداب و رسوم آن سرزمین، به امیر تقدیم کرد. اما فایده مهم این سفر یادگرفتن شیوه ساختن کاغذ مرغوب از چینی‌ها بود. بدیهی است که این پیشرفت بزرگ در گسترش و نشر علوم و فنون در ایران تاثیری بسزا داشت.[۱]

البته رشد و اعتلای علم و ادب در دوران امارت سامانیان، گذشته از عنایت و توجه امیران سامانی به دانش و ادب، مدیون وزرای دانش‌پرور و ادب‌دوستی چون ابوعبدالله جیهانی و ابوالفضل بلعمی نیز هست. جیهانی به پژوهش و تحقیق در باب احوال و آداب ملل علاقه‌ای وافر داشت. او دانشمندی والاهمت بود که جغرافی‌دانان و عالمان سراسر ایران را به بخارا فراخواند.